

اثر رانت نفت و فساد بر استقلال بانک مرکزی در کشورهای صادرکننده نفت

زهرا لطفی

کارشناس ارشد اقتصاد انرژی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس

zahralotfi@modares.ac.ir

سجاد فرجی دیزجی

دانشیار گروه توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

s_dizaji@modares.ac.ir

حسین صادقی

دانشیار گروه توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس

sadeghih@modares.ac.ir

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیرات رانت نفتی و فساد بر استقلال بانک مرکزی در کشورهای صادرکننده نفت می‌باشد. بدین منظور از روش داده‌های تابلویی برای ۲۵ کشور متکی به درآمدهای نفتی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ استفاده می‌گردد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که رانت نفتی و فساد موجب کاهش استقلال بانک مرکزی در کشورهای صادرکننده نفت می‌گردد. علاوه بر آن به منظور مقایسه بیشتر نقش رانت‌های نفتی و نیز سایر رانت‌ها در کاهش استقلال بانک مرکزی، تأثیرات رانت ناشی از سایر منابع نظیر رانت گاز، رانت جنگل و رانت کل منابع طبیعی بر روی استقلال بانک مرکزی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد رانت‌های ناشی از گاز و جنگل تأثیر معناداری بر استقلال بانک مرکزی در کشورهای صادرکننده نفت ندارند. لیکن تأثیر رانت کل منابع طبیعی که شامل رانت‌های نفتی نیز می‌باشد بر روی استقلال بانک مرکزی منفی است. علاوه بر آن سایر متغیرهای کنترلی مهم مورد استفاده در این تحقیق نشان می‌دهند که با افزایش هزینه‌های دولت، افزایش نقدینگی و نیز افزایش درآمد ناخالص داخلی سرانه، استقلال بانک مرکزی در کشورهای صادرکننده نفت کاهش می‌یابد. درحالی که بهبود شاخص شفافیت منجر به بهبود استقلال بانک مرکزی در این کشورها می‌گردد. نتایج دلالت بر آن دارد که کشورهای نفتی می‌توانند با مدیریت مناسب رانت‌های نفتی و کنترل شیوه هزینه‌های دولت و نقدینگی از استقلال بانک مرکزی خود در مواجهه با سیاست‌های مالی دولت و رانت‌های نفتی حمایت کنند. طبق یافته‌های تحقیق وجود شفافیت اطلاعات و آگاهی عمومی می‌تواند عامل مؤثری در این راستا باشد.

طبقه‌بندی JEL: D۷۳, Q۳, E۵۸

واژگان کلیدی: استقلال بانک مرکزی، درآمدهای نفتی، فساد.

۱. مقدمه

شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد استقلال قانونی اکثر بانک‌های مرکزی در جهان در دهه نود افزایش یافته است، حتی به نظر می‌رسد یک انقلاب واقعی در قوانین بانک مرکزی رخ داده‌است (کوکرمن^۱، ۲۰۰۸). بانک مرکزی مستقل‌تر با سطح پایین‌تر تورم همراه است و ثبات قیمت را ارتقا می‌بخشد. هم‌چنین استقلال بانک مرکزی موجب بهبود عملکرد اقتصاد می‌شود. بانک مرکزی مستقل که عاری از فشار سیاسی باشد با پیش‌بینی‌های دقیق‌تر ثبات اقتصادی را ارتقا می‌دهد (آلسینا و سامر^۲، ۱۹۹۳).

هر عاملی که عرضه پول را از کنترل بانک مرکزی خارج کند استقلال آن را با مخاطره مواجه می‌کند. یکی از این عوامل کسری بودجه دولت است (سیکن و دهان^۳، ۱۹۹۸) به ویژه در کشورهای صادرکننده نفت که اغلب درآمدهای بودجه خود را بر مبنای درآمد نفت پایه‌ریزی می‌کنند و هرکاهشی در این درآمدها سبب برهم خوردن معادلات و پیش‌بینی‌ها می‌شود (دیزجی^۴، ۲۰۱۱). لذا این دولت‌ها برای جبران کسری بودجه خود به استقراض از بانک مرکزی روی می‌آورند و استقلال آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نهایتاً با تأمین کسری از منابع بانک مرکزی خواسته یا ناخواسته سبب استمرار تورم می‌شوند (دگارسیا و کونادو^۵، ۲۰۰۵). به‌طور مثال کشورهایی چون رومانی، آرژانتین و آلبانی به ترتیب بادرجه اسقلال (۰/۸۵ و ۰/۸۲ و ۰/۷۳) و بهره‌مندی از رانت (۱/۰۴ و ۳/۳۳ و ۱/۲۰) که در مقایسه با عربستان، کویت و قطر با درجه استقلال

۱. Cukerman

۲. Alsina and Summer

۳. Sikken and de Haan

۴. Dizaji

۵. De Garcia and Cunado

(۰/۴۲ و ۰/۴۰ و ۰/۴۰) و بهره مندی از رانت (۴۳/۳۲ و ۴۹/۲۳ و ۳۱/۷۵) دارای رانت نفتی^۱ کمتری هستند، استقلال بانک مرکزی بالاتری دارند.

فراوانی منابع طبیعی و رانت‌های حاصل از آن دولت را برای ورود به فعالیت‌های رانت جویی تشویق کرده و به‌طور قابل توجهی زمینه‌های ایجاد فساد را افزایش می‌دهد (رحیمیان، ۱۳۹۳). فساد در واقع یکی از بزرگ‌ترین موانع توسعه اقتصادی و اجتماعی در بلند مدت است (آکایا و همکاران، ۲۰۰۵).

با توجه به اینکه مسئولیت اصلی بانک مرکزی اطمینان از ثبات قیمت و ثبات مالی است (کوکرمن، ۲۰۰۸)، این بانک برای انجام هر چه بهتر وظایف خود نیازمند استقلال است. بدین منظور هدف این تحقیق بررسی عوامل اثرگذار بر استقلال بانک مرکزی است. از آنجا که در اغلب کشورهای صادرکننده نفت درآمدهای نفتی اثرات غیرقابل انکاری بر اقتصاد دارند، از این رو تحقیق حاضر تأثیر هم‌زمان رانت نفت و فساد را بر استقلال بانک مرکزی مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر این با تفکیک انواع رانت، به نحوه تأثیرپذیری استقلال بانک مرکزی از رانت گاز، رانت جنگل و رانت کل منابع طبیعی^۳ پرداخته شده که در مطالعات پیشین، کمتر به آن پرداخته شده است. لذا پس از مقدمه ادبیات نظری و پیشینه پژوهش ذکر شده است. در ادامه با بیان روش و مدل نتایج حاصل از تحقیق بازگو شده و بخش پایانی به جمع‌بندی اختصاص یافته است.

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

بیست سال پیش و قبل از آن بانک‌های مرکزی جهان به عنوان بخش‌های وزارتخانه‌های دارایی فعالیت می‌کردند و از آنها انتظار می‌رفت طبق قانون یا عرف یا هر دو از ابزارهای سیاست‌گذاری خود برای دست‌یابی به تعداد زیادی از اهداف مانند سطح بالایی از رشد، اشتغال، تأمین بودجه دولت برای تأمین اعتبار مخارج عمومی و پرداختن به مشکلات تراز پرداخت‌ها فعالیت کنند هم

۱. Oil rents

۲. Akai et al

۳. Natural resource rents

چنین از آنها انتظار می‌رفت که ثبات مالی و قیمت را حفظ کنند (کوکرمن، ۲۰۰۸). بانک مرکزی به عنوان مرجع پولی اجراکننده سیاست‌های اقتصادی دولت عمل می‌نماید و نقش هماهنگ‌کننده جریان‌های پولی را برای حصول به هدف‌های معین پیش‌بینی شده اقتصادی به عهده دارد (آنانند و همکاران^۱، ۲۰۱۵). چنانچه بانک مرکزی در استفاده از ابزارهای سیاست پولی دارای آزادی عمل نباشد استقلال سیاست پولی مختل خواهد شد (محمدی و قنبری، ۱۳۹۵). بانک مرکزی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی هر کشور برای دستیابی به اهداف خود نیازمند استقلال است. استقلال بانک مرکزی نشان‌دهنده توانایی و تمایل به انجام یک سیاست پولی مستقل است.

استقلال بانک مرکزی یکی از ویژگی‌های خوب نظم پولی معاصر است (کوکرمن، ۲۰۰۸). مفهوم استقلال بانک مرکزی استقلال بی قید و شرط از دولت نیست بلکه استقلال برای دست‌یابی به هدف ثبات قیمت است (کوکرمن و همکاران، ۱۹۹۲). استقلال به توانایی بانک در اجرای سیاست‌های مورد نظر خود بدون دخالت سیاسی اشاره دارد (کوکرمن، ۲۰۰۸). استقلال بانک مرکزی یعنی تمایز قائل شدن میان سیاست‌های پولی و مالی که سبب رهایی بانک مرکزی از سیطره دولت خواهد شد. بانک با مصونیت از هرگونه فشار سیاسی به‌ویژه از جانب دولت و اتخاذ سیاست‌های پولی بی‌طرف که به اقتضای شرایط اقتصادی است با کاهش هرگونه دخالت و اختیار از جانب دولت می‌تواند در راستای دست‌یابی به اهدافی چون کنترل تورم حفظ ارزش پول ملی را به ارمغان بیاورد هم‌چنان که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته این اتفاق به وقوع پیوسته است. کوکرمن، وب و نیایی^۲ (۱۹۹۲) در تحقیقی با بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم در ۵۱ کشور در حال توسعه و ۲۱ کشور توسعه‌یافته برای سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۸۹ رابطه منفی بین تورم و استقلال بانک مرکزی در کشورهای توسعه‌یافته را تأیید کردند، اما نتوانستند این نتیجه را به کشورهای در حال توسعه تعمیم دهند.

۱. Anand et al (۲۰۱۵)

۲. Cukerman, Webb and Neyapti

هارولد بروم (۲۰۱۱)^۱ در یک گزارش تجربی با استفاده از تجزیه و تحلیل ساختارهای کواریانس به رابطه منفی و همبستگی قوی میان استقلال بانک مرکزی و تورم اشاره می‌کند. یحیی زاده‌فر و همکاران (۲۰۱۲) نیز با بهره‌گیری از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و بررسی داده‌های مربوط به سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۸ این نتیجه را به ایران تعمیم داده‌اند.

آگوبا و همکارانش^۲ (۲۰۱۷) هم به بررسی همین مورد در ۴۸ کشور آفریقایی طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۷۰ پرداختند. آنها با بهره‌گیری از یک مدل رگرسیونی پانل و با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای به این نتیجه رسیدند که برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، در آفریقا و کشورهای درحال توسعه استقلال بانک مرکزی به تنهایی برای کاهش تورم کفایت نمی‌کند و استقلال بیشتر بانک مرکزی توأم با توسعه بخش بانکی و کیفیت نهادی در کاهش تورم مؤثرتر عمل می‌کند.

علاوه بر این بانک مرکزی مستقل با جلوگیری از دست کاری‌های زود هنگام سیاست‌های پولی پیش از انتخابات اقتصاد را از سیکل‌های سیاسی در امان نگه‌داشته و آن را عایق می‌کند (آلسینا و سامر، ۱۹۹۳). هیلچرو مارک وارد^۳ (۲۰۱۲) در مقاله خود با استناد به مقاله رگوف^۴ (۱۹۸۵) اذعان می‌دارند که جامعه پس از انتصاب یک بانکدار محافظه کار و جدا کردن سیاست‌های پولی از فشار سیاسی می‌تواند رفاه خود را افزایش دهد.

اگر کشور ساز و کارهای نهادی داشته باشد و دخالت‌های سیاسی در فعالیت‌های بانک مرکزی را محدود کند، استقلال بانک مرکزی تأثیر بیشتری بر ثبات دارد. با محدود کردن مداخلات به بانک مرکزی اجازه داده می‌شود که انضباط بیشتری داشته باشد که این امر موجب کاهش نرخ رشد پول می‌شود (بدا و هیکس^۵، ۲۰۱۵).

۱. Harold Brumm

۲. Agoba et al

۳. Hielscher and Markwardt

۴. Rogoff

۵. Bodea and Hicks

هیلمر و مارک‌وارد (۲۰۱۲) نقش نهادهای سیاسی بر اثربخشی استقلال بانک مرکزی با استفاده از مدل‌های تعاملی برای ۶۹ کشور طی سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۸۰ را بررسی کردند و کاهش تورم در پی استقلال بانک مرکزی را منوط به بالا بودن کیفیت نهادهای سیاسی دانستند.

بدا و هیکس (۲۰۱۵) با بررسی داده‌های ۸۷ کشور طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۸ و بهره‌گیری از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) افزایش استقلال بانک مرکزی در کشورهای برخوردار از دموکراسی را در کاهش رشد عرضه پول مؤثر دانسته و بیان می‌کنند این امر با کاهش انتظارات تورمی و کاهش تورم تقاضای پول قوی را تضمین می‌کند. آنها هم چنین افزایش استقلال بانک مرکزی را ضامن ثبات قیمت می‌دانند. علاوه بر این درخشان درآبی و محنت فر (۱۳۹۴) نیز با استفاده از الگوی رگرسیونی و تحلیل همبستگی کانونی در ۲۶ کشور برای سال ۲۰۰۶ وجود رابطه مثبت و معناداری میان درجه استقلال بانک مرکزی و شاخص حکمرانی خوب را تأیید کرده‌اند.

بروین و همکاران^۱ (۲۰۱۷) نیز با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی و ابزارهای آماری چون فاکتوریل و تحلیل رگرسیون داده‌های ۳۱ کشور OECD و ۴۹ کشور غیر OECD را طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۸ بررسی کرده و نقش برنامه وام‌های صندوق بین‌المللی پول را برای هدایت اقتصادها در انتخاب بانک‌های مرکزی مستقل تأیید می‌کنند. آنها اذعان می‌دارند که بی‌ثباتی مالی و رکود دارای اثرات منفی بر کاهش تورم بوده و تکیه دولت بر پول بانک مرکزی جهت تأمین هزینه‌های عمومی استقلال سیاسی و عملیاتی بانک مرکزی را تضعیف می‌کند.

از آنجا که خلق پول و انتشار اسکناس را می‌توان به عنوان یکی از اهرم‌های قدرت نام برد، چگونگی بهره‌گیری از این ابزار و نحوه به‌خدمت‌گرفتن آن در راستای دستیابی به اهداف اقتصادی و رفاه کل کشور خود مسئله‌ای است که می‌تواند در سایه استقلال هرچه بیشتر بانک مرکزی محقق گردد.

۱. Brevini et al

به طور کلی دو عامل اصلی بین‌المللی به گرایش به استقلال بیشتر بانک مرکزی تأکید می‌کنند: یکی تلاش در سراسر جهان برای ثبات قیمت ناشی از رکود دهه هفتاد و عملکرد اقتصادی نامطلوب در کشورهای با تورم بالا در آمریکای لاتین و عملکرد نسبتاً خوب برخی کشورهای با تورم پایین مانند آلمان و ژاپن تا دهه ۸۰ و دوم جهانی سازی که عبارت از برچیدن تدریجی کنترل بر روی گردش سرمایه و گسترش آن در بازارهای بین‌المللی سرمایه است. این فرایند تلاش برای ثبات قیمت را تقویت کرده و اهمیت استقلال بانک مرکزی را به عنوان سیگنالی از مسئولیت اسمی کلان اقتصاد نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی مطرح می‌کند (کوکرمن، ۲۰۰۸).

توجه به این نکته نیز ضروری است که هم‌پای افزایش استقلال بانک مرکزی این نهاد باید نسبت به عملکرد مستقل خود در قبال مردم پاسخگو باشد. چراکه اگر این‌گونه نباشد زمینه خودمختاری بانک فراهم شده و موجب اعمال قدرت ذینعان می‌گردد.

نقش بسیار مؤثر درآمدهای نفتی در ساختار بودجه و مخارج دولت ویژگی خاص اقتصادهای در حال توسعه نفتی مانند ایران است (دیزجی، ۲۰۱۴). با توجه به ثروت هنگفتی که درآمد نفت برای دارندگانش به ارمغان آورده است ارتزاق از این منبع به گسترش و رونق اقتصاد در این کشورها منجر شده است.

درآمدهای نفتی در بیشتر کشورهای صادرکننده نفت مستقیماً به دولت پرداخت می‌شود و دولت به عنوان سرپرست منابع طبیعی است، از این رو دولت به مجرای برای ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد تبدیل می‌شود (دیزجی، ۲۰۱۴). درآمد منابع طبیعی می‌تواند از کانال‌هایی مانند تقویت فرایند انباشت سرمایه و عرضه کالاهای عمومی اثرات مثبت یا از کانال‌هایی مانند بیماری هلندی، رانت‌جویی، تضعیف نهادی و حاکمیت دولت رانتی اثرات منفی بر عملکرد اقتصاد بر جای گذارد (طیب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳). رژیم‌های سیاسی در کشورهای نفت خیز علاقه‌مند به ماندن در قدرت و محافظت از رانت اقتصادی در بلندمدت هستند (دیزجی، ۲۰۱۴) و از آنجا که در عموم کشورهای نفتی، مالکیت منابع نفتی از آن دولت است درآمدهای حاصل از این منابع

می‌تواند بزرگ‌ترین منبع خلق رانت را در دولت تشکیل دهد و رانت جویی در این دولت‌ها ممکن است بسیار جدی‌تر از سایر دولت‌ها باشد (کسلی و تسی^۱ ۲۰۱۶، دیزجی ۲۰۱۹).

رخنه درآمدهای نفتی در اقتصاد این کشورها به ویژه در روند بودجه‌ریزی آنها موجب وابستگی روزافزون اغلب کشورهای صادرکننده نفت به این درآمدها شده‌است. با تأثیرپذیری بودجه از درآمدهای نفتی کنترل پایه پولی از دست مقامات دولتی خارج شده و بانک مرکزی تحت تأثیر سیاست‌های مالی و درآمد نفت واقع می‌شود. اما تأثیر درآمد نفت بر استقلال بانک مرکزی از شفافیت لازم برخوردار نیست و نمی‌توان در رابطه با آن قطع به یقین اظهار نظر کرد.

همان‌گونه که دیزجی (۲۰۱۴) نیز بیان می‌کند هرگونه شوک منفی نفتی سبب اثرگذاری شدید بر کل درآمدهای دولت شده و با پدید آمدن کسری بودجه و فشار تورمی بر کل اقتصاد موجب نوسانات عرضه پول و نقدینگی می‌شود. علاوه بر این ذخایر ارزی نیز وابستگی شدید به صادرات نفت دارد و هرگونه شوک نفتی سبب بروز اثرات منفی بر تولیدات صنعتی می‌گردد.

از یک سو با افزایش درآمدهای نفتی شاهد افزایش درآمد دولت و کاهش کسری بودجه می‌باشیم، چرا که در اغلب کشورهای صادرکننده نفت این درآمدهای نفتی است که مهم‌ترین منبع ارتزاق دولت است و سبب گردش چرخ اقتصاد می‌گردد. لذا در راستای تحقق درآمدهای دولت بانک مرکزی از هرگونه فشاری در راستای تأمین کسری بودجه مصون می‌ماند.

بوستانی و صلوی تبار (۱۳۹۶) با استفاده از اطلاعات به‌دست آمده از بودجه دولت و ترازنامه بانک مرکزی تأیید می‌کنند مادامی که بودجه دولت به‌طور مستمر دچار کسری بوده و این کسری از منابع بانک مرکزی یا فروش اجباری ارز ناشی از صادرات نفت به بانک مرکزی تأمین شود استقلال مالی در عمل محدود می‌شود.

۱. Caselli and Tesei

اما از سوی دیگر دولت‌ها با تحت فشار قرار دادن بانک مرکزی جهت تزریق درآمدهای حاصل از فروش نفت به اقتصاد زمینه نوسان در پایه پولی و عرضه پول را فراهم می‌آورند. این عملکرد دولت با تضعیف استقلال بانک مرکزی به پدید آمدن تورم و تشدید آن دامن می‌زند. پیش از این عسگری (۱۳۸۹) تأثیر استقلال بانک مرکزی بر نظام مدیریت نقدینگی طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۴ مورد بررسی قرار داد و با بهره‌گیری از روش پانل دیتا و داده‌های مربوط به ایران و ۲۱ کشور صادرکننده نفت به این نتیجه رسید که کشورهای صادرکننده با درجه استقلال ضعیف‌تر هنگام افزایش قیمت نفت با سیاست‌های انبساطی در قالب رشد بالای نقدینگی روبه‌رو می‌شوند. درحالی‌که نتایج تخمین برای کشورهای صادرکننده نفت با درجه استقلال قوی‌تر نشان‌دهنده آن است که این گروه از کشورها هنگام افزایش قیمت نفت می‌توانند سیاست‌های پولی کنترل شده‌تری را انتخاب کنند.

لطفی (۱۳۹۸) نیز با بررسی اثر درآمدهای نفتی و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی در ۲۵ کشور بهره‌مند از درآمدهای نفتی از جمله ایران طی سال‌های ۲۰۰۰ - ۲۰۱۲ و روش پانل دیتا ضمن بیان رابطه معکوس میان درآمدهای نفتی و استقلال بانک مرکزی، تأثیر مثبت کیفیت نهادهای سیاسی بر استقلال بانک مرکزی را یادآور می‌شود. همچنین با مشاهده تأثیر منفی اثر تعاملی درآمد نفت و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی اتکا بیش از اندازه به رانت نفتی را عاملی می‌داند که تأثیر مثبت نهادهای سیاسی را بر روی استقلال بانک مرکزی کم‌رنگ‌تر می‌کند. فساد سوء استفاده از مقامات دولتی برای منافع شخصی است (دیزجی، ۲۰۱۴). افزایش رانت نفت منجر به افزایش قابل توجه در فساد و کاهش قابل توجه در حقوق سیاسی داخل کشور می‌شود (آرزکی و براکتر^۱، ۲۰۱۱). آنچه سیاست‌گذاران باید از آن نگران باشند این است که رانت‌های نفتی به میزان قابل توجهی فساد را افزایش می‌دهند، افزایش فساد به دلیل جابه‌جایی منابع و هزینه‌های مرتبط با آن ضرر قابل توجهی به رفاه وارد می‌کند (مورفی و همکاران^۲،

۱. Arezki and Bruckner

۲. Murphy et al

۱۹۹۱). اگر مدیریت رانت نفتی به درستی صورت نگیرد درآمد حاصل از آن سبب به وجود آمدن دولت رانتی می‌شود. دولتی را رانتی می‌نامیم که پایه‌ریزی مخارج خود را براساس درآمدهای حاصل از رانت بنا کند. انگیزه رانت‌جویی زمینه‌ای برای ایجاد فساد در دولت و کاهش کارایی اقتصادی خواهد شد. رانت واحدهای اقتصادی را بر آن می‌دارد که به جای رقابتی سالم برای دستیابی به کارایی بیشتر به سبقت‌گیری از هم در بهره‌مندی از رانت بپردازند و از این طریق مشکلات خود را پوشش دهند.

یکی از مجاری اصلی اثربخشی سوء رانت منابع طبیعی بر اقتصاد کشورها، گسترش فساد ساختار سیاسی و اقتصادی است که بسته به زمینه‌های نهادی هر کشور میزان آن می‌تواند متفاوت باشد. افزایش نقش اختلالی دولت‌ها از طریق افزایش حجم دستگاه دولت و گستردگی قوانین دولتی در مسیر انجام فعالیت‌های اقتصادی سایر بخش‌ها، موجب افزایش هزینه‌های اقتصادی می‌گردد. از این رو دولت‌های مبتنی بر رانت منابع طبیعی برای جبران این هزینه‌ها و نیز به منظور جبران ناکارآمدی‌های خود به درآمد حاصل از منابع روی آورده‌اند. تا جایی که وابستگی این دولت‌ها به رانت منابع طبیعی در یک بستر تاریخ شکل جدی‌تری به خود گرفته‌است. علاوه بر آن دولت‌های ناکارآمد وابسته به رانت، به منظور کاهش سطح انتقادات و هم‌چنین تضمین بقای سیاسی خود به تضعیف نهادهای نوپای دموکراتیک نظیر انتخابات و مجلس روی می‌آورند و زمینه نهادی مقابله با ناکارآمدی خود و ساختار فاسد حاکمیتی را از بین می‌برند (فرجی دیزجی و همکاران، ۱۳۹۶).

پدیده فساد بیش از همه در میان کشورهای در حال گذر و توسعه، به ویژه کشورهای فقیر در حال توسعه (رواج دارد و مانعی عمده بر سر راه توسعه در این کشورهاست. در صورتی که تمهیدات لازم برای مبارزه با فساد در این کشورها اندیشیده نشود، زمینه‌های بروز آن تقویت شده و شیوع این معضل اجتماعی عاملی فرا روی ناکامی سیاست‌های توسعه اقتصادی خواهد شد (شقایق شهری و همکاران، ۱۳۸۸).

به‌طور متوسط اقتصادهای نفتی به دلیل عدم وابستگی به مالیات و مشارکت‌های اجتماعی شهروندان از نهادهای دموکراتیک ضعیفی برخوردارند (دیزجی، ۲۰۱۴).

فساد در طولانی مدت اثرات مخربی بر رشد اقتصادی دارد (آکایا و همکاران، ۲۰۰۵). فساد را می‌توان از عوامل اساسی جلوگیری از رشد و توسعه اقتصاد دانست. فساد با اثرات معکوسی که بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌گذارد به عدم تحقق اهداف توسعه‌ای اقتصاد منجر می‌شود که در پی آن شاهد کاهش درآمدهای مالیاتی و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی می‌باشیم. در پی فساد شاهد تبعیضات صورت گرفته تولید و بهره‌مندی از رانت خواهیم بود. لذا انگیزه تولیدکنندگان در جهت ادامه فعالیت از بین رفته و نتیجه این امر مهم تهدید اساسی تولید ملی است.

پیشرفت و توسعه اقتصاد هر جامعه‌ای و در نتیجه توسعه جهانی در گرو داشتن اقتصاد سالم و عاری از فساد است. جامعه‌ای می‌تواند به استقلال اقتصادی دست یابد که سرمایه‌گذاران امنیت لازم را داشته باشند تا بتوانند به رشد و توسعه کشور کمک کنند (رحیمیان، ۱۳۹۳).

فساد مالی باعث کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه‌ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد (ادیب پور و محمدی‌ویایی، ۱۳۹۵).

دولت به محض مواجهه با کسری بودجه با فشار به بانک مرکزی درصداً رفع مشکل خود برمی‌آید. لذا هر عاملی که سبب افزایش هزینه‌های دولت و کسری بودجه گردد استقلال بانک مرکزی را با مخاطره مواجه کرده و زیر سؤال می‌برد. یک بانک مرکزی مستقل با سیاست محافظه کارانه پولی خود می‌تواند مانع از شکل‌گیری انگیزه‌های منفعت طلبانه دولت شود.

۲-۱. شاخص‌های استقلال بانک مرکزی

برای محاسبه استقلال بانک مرکزی شاخص‌های متفاوتی وجود دارد اما در این میان دو شاخص GMT یا گریلی، ماسکیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱)^۱ و CWN یا کوکرمین، وب و نیایی (۱۹۹۲) به علت برخورداری از جامعیت بالا در مقایسه با دیگر شاخص‌ها مورد توجه محققان قرار گرفته است.

۲-۱-۱. شاخص گریلی، ماسکیاندارو و تابلینی GMT

این شاخص که به شاخص GMT نیز معروف است با دسته بندی استقلال بانک مرکزی به دو جزء استقلال سیاسی و اقتصادی عواملی چون، نحوه انتصاب رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک و دوره تصدی آنها و میزان مسئولیت بانک در دستیابی به ثبات قیمت را در زمره استقلال سیاسی و مواردی چون توانایی بانک در تعیین و استفاده از ابزارهای سیاست گذاری پولی هم چون میزان اعتبار بانک به دولت، تعیین نرخ بهره وام و نرخ تنزیل را زیر مجموعه استقلال اقتصادی دسته بندی می نماید.

۲-۱-۲. شاخص کوکرمین، وب و نیایی CWN

این شاخص یکی از معروف ترین و دقیق ترین شاخص‌ها برای محاسبه استقلال بانک مرکزی محسوب می شود که به دو دسته قانونی و واقعی تقسیم می شود.

شاخص قانونی استقلال بانک مرکزی، استقلال را به چهار زیرمجموعه قوانین مربوط به ریاست بانک، تدوین سیاست‌ها، اهداف بانک مرکزی، محدودیت اعطای وام به دولت تقسیم می کند و به هر یک وزن‌هایی را اختصاص می دهد. این اجزا در مجموع متشکل از ۱۶ متغیر است و هرمتغیر، بین صفر (کمترین درجه استقلال) و یک (بیشترین درجه استقلال) رده بندی می شود.

علاوه بر این کوکرمین به منظور تعیین استقلال بانک مرکزی شاخص قانونی را نیز معرفی می کند که بر مبنای عملکرد بانک‌ها می باشد نه قانون و از این جهت دو شاخص زیر را پیشنهاد می کند:

اولین شاخص شاخص نرخ تعویض بانک مرکزی است که موارد تعویض رئیس بانک مرکزی از حدی به بالا را نشانه سطح پایین استقلال بانک قلمداد می کند و شاخص دوم که تعیین کننده استقلال واقعی بانک مرکزی است بر اساس اطلاعات دریافتی از پرسش نامه‌هایی که برای

۱. Grilli, Mseiandaro and Tabelini

کارشناسان پولی بانک مرکزی ارسال شده‌است تهیه می‌گردد. هر قدر شاخص به دست آمده بزرگ‌تر باشد استقلال بانک بیشتر است.

۲-۱-۳. شاخص ژاکومه^۱

ژاکومه برای محاسبه شاخص خود به بررسی موارد زیر پرداخته‌است.

- هدف بانک مرکزی
- انتصاب و مدت زمان آن برای اعضای شورای بانک
- ساختار شورای بانک
- برکناری اعضای شورا
- وام‌های بانک مرکزی به دولت
- مرجع نهایی وام
- استقلال ابزاری برای هدایت سیاست پولی
- استقلال مالی
- پاسخگویی
- شفافیت و پاسخگویی

۳. بررسی مدل و روش انجام تحقیق

به منظور بررسی الگوی این تحقیق از روش داده‌های ترکیبی (پانل دیتا) استفاده می‌شود. داده‌های ترکیبی، مجموعه‌ای از داده‌هاست که شامل چند مقطع و یک دوره زمانی می‌باشد. داده‌های ترکیبی به دلیل آنکه هم تغییرات زمانی و هم تغییرات درون مقطع را منعکس می‌کند، می‌تواند اطلاعات بیشتری را منعکس کند (بالتاجی^۲، ۲۰۰۹، گجراتی^۳، ۱۹۹۵).

۱. Jacome

۲. Baltagi

۳. Gujarati

داده‌های مورد استفاده در این تحقیق مربوط به ۲۵ کشور بهره‌مند از رانت نفت (آلبانی، الجزایر، آرژانتین، استرالیا، آذربایجان، برزیل، کانادا، دانمارک، مصر، اندونزی، ایران، کویت، مالزی، مکزیک، نیوزلند، نیجریه، نروژ، پرو، قطر، رومانی، روسیه، عربستان، امارات، آمریکا، ونزوئلا) طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ می‌باشد.

از آنجا که هدف این مطالعه بررسی نحوه اثرگذاری رانت نفت و فساد بر استقلال بانک مرکزی است برای پاسخگویی به فروض مطرح شده درجه استقلال بانک مرکزی بر اساس معادله زیر تبیین می‌شود:

$$CBI = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Rent} + \alpha_2 \text{ Corruption} + \beta \text{ Control variables} + \varepsilon \quad (1)$$

در این معادله استقلال بانک مرکزی به عنوان متغیر وابسته و رانت و فساد به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند. هم‌چنین با توجه به مطالعات کوکرمن، وب و نیایی (۱۹۹۲) و داماتو و همکارانش (۲۰۰۹)^۱ از نقدینگی، هزینه‌های دولت، شفافیت و توسعه نیز به عنوان متغیر کنترلی بهره گرفته شده‌است. به علت محدودیت در دسترسی به داده‌های استقلال بانک مرکزی سال‌های مورد بررسی تا ۲۰۱۲ انتخاب شده‌است. داده‌های مربوط به این پژوهش از آمارهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی استخراج شده‌است.

متغیرهای وابسته و مستقل مورد استفاده در تحقیق شامل:

CBI: استقلال بانک مرکزی

شاخص مورد استفاده در این مطالعه شاخص گاریگا (۲۰۱۶) می‌باشد که استقلال بانک مرکزی را برای ۱۸۲ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۲-۱۹۷۰ بر پایه مطالعات کوکرمن، وب و نیایی (۱۹۹۲) بررسی کرده‌است.

۱. AAAnaoet al

۲. Garriga

این مجموعه داده‌ها به قوانین کوکرمین، وب و نیایی (۱۹۹۲) متکی است تا قوانین بانک مرکزی را کدگذاری کند. هر قطعه قانون در ۱۶ بعد مربوط به چهار مؤلفه استقلال بانک مرکزی، کدگذاری شده که عبارتند از: مشخصات مدیر عامل (انتصاب، عزل و مدت مسئولیت مدیر عامل بانک)، اسناد تدوین سیاست (چه کسی تصمیم نهایی را در سیاست‌های پولی و نقش بانک مرکزی در روند بودجه تنظیم و تدوین می‌کند)، اهداف بانک مرکزی و محدودیت‌های بانک مرکزی در اعطای وام به بخش دولتی. این ۱۶ مؤلفه همچنین در یک شاخص وزنی منفرد ترکیب می‌شوند که از صفر (پایین‌ترین درجه استقلال) تا ۱ (بالا‌ترین درجه استقلال) متغیر است (گاریگا، ۲۰۱۶). یک بانک مرکزی از نظر قانونی مستقل تر است هرگاه دوره فرمانداری طولانی‌تر باشد؛ مراحل انتصاب و عزل اعضا از دولت مجزاتر باشد، تدوین سیاست پولی به‌طور گسترده در اختیار بانک مرکزی باشد (این دستورالعمل بیشتر بر ثبات قیمت متمرکز است) و محدودیت اعطای وام به دولت بیشتر باشد.

Rent: رانت^۱

تفاوت بین قیمت محصول و متوسط هزینه تولید آن محصول.

Total rent: رانت کل منابع طبیعی^۲

عبارتند از مبلغ رانت نفت، اجاره گاز طبیعی، اجاره زغال سنگ (سخت و نرم)، اجاره مواد معدنی و اجاره جنگل.

Corruption: فساد^۳

۱. داده‌ها از بانک جهانی world bank

۲. داده‌ها از بانک جهانی world bank

۳. داده‌ها از بانک اطلاعات (WGI) Worldwide Governance Indicators

از این متغیر به منظور ارزیابی فساد در کشورهای مختلف استفاده می‌شود که عددی بین (۱۰۰+ و ۰) است. به کم‌ترین سطح فساد نمره ۱۰۰ و به بالاترین سطح فساد نمره صفر تعلق می‌گیرد.

Liquidity : نقدینگی^۱

حجم پول در گردش را نقدینگی می‌گویند که شامل مجموع پول خارج از بانک و سپرده‌های درخواستی و سپرده ارز خارجی ساکنان به جز دولت مرکزی به همراه گواهی سپرده و اوراق بهادار است.

Expenditure : هزینه دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی^۲

کلیه هزینه‌های دولت به همراه سود خالص دارایی‌های غیرمالی نسبت به تولید ناخالص داخلی.

Transparency : شفافیت^۳

به عنوان شاخص شفافیت از میزان دسترسی افراد جامعه به اینترنت استفاده شده است. کاربران اینترنت افرادی هستند که از اینترنت در هر مکان در ۳ ماه گذشته استفاده کرده‌اند. اینترنت می‌تواند از طریق رایانه، تلفن همراه، تلوزیون دیجیتال و... استفاده شود.

Development : تولید ناخالص داخلی سرانه^۴

جهت نشان دادن توسعه اقتصادی از شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه استفاده شده است. تولید ناخالص داخلی تقسیم بر جمعیت سرانه را تولید ناخالص داخلی سرانه گویند. که در آن تولید ناخالص داخلی براساس مجموع ارزش ناخالص تمام تولیدکنندگان ساکن در اقتصاد به اضافه

۱. داده‌ها از بانک جهانی World bank

۲. داده‌ها از صندوق بین‌المللی پول IMF

۳. داده‌ها از بانک جهانی World bank

۴. داده‌ها از بانک جهانی World bank

مالیات محصول منهای یارانه می‌باشد که در ارزش محصول گنجانده نشده‌است و بدون کسر استهلاک دارایی‌های تولید شده یا تخلیه و تخریب منابع طبیعی محاسبه شده‌است.

آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی شامل میانگین، میانه، حدکثر و حداقل و انحراف معیار متغیرها در جدول (۱) ارائه گردیده‌اند. ماتریس‌های همبستگی بین متغیرها با توجه به رانت‌های نفت، گاز، جنگل و رانت کل در جداول پیوست تنظیم گردیده‌اند.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
Cbi	۰/۵۳	۰/۵۰	۰/۸۷	۰/۱۶	۰/۱۷
Oil	۱۲/۵۸	۵/۷۹	۶۱/۲۳	۰/۱۶	۱۴/۴۳
Gas	۱/۳۱	۰/۷۱	۸/۷۳	۰/۰۰	۱/۵۱
Forest	۰/۳۵	۰/۰۹	۴/۹۳	۸/۰۱e-۰۵	۰/۷۶
Total rent	۱۵/۱۴	۱۰/۳۷	۶۲/۰۴	۰/۶۱	۱۴/۴۸
corruption	۵۴/۴۷	۵۱/۹۰	۱۰۰/۰۰	۰/۵۰	۳۰/۳۹
Development	۲۳۶۶۲/۰۲	۹۶۸۷/۵۰	۹۱۶۱۷/۲۸	۱۳۸۲/۸۹	۲۴۳۳۹/۱۵
Liquidity	۵۶/۳۰	۵۲/۹۸	۱۵۹/۱۷	۶/۶۶	۳۰/۷۵
Expenditure	۳۱/۴۰	۳۱/۹۰	۵۷/۹۵	۱۲/۳۸	۸/۸۸
Transparency	۳۴/۳۵	۲۶/۷۶	۹۴/۶۴	۰/۰۶	۲۷/۵۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۴. یافته‌های تجربی

در این پژوهش سطح احتمال آزمون F لیمبر کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه همگنی مقاطع رد شده و مدل به روش داده‌های تابلویی برآورد شده‌است و از آنجا که سطح احتمال آزمون هاسمن نیز کمتر از ۰/۰۵ درصد می‌باشد مدل با اثرات ثابت بر مدل با اثرات تصادفی اولویت یافته‌است. بررسی نتایج آزمون واریانس ناهمسانی حکایت از وجود ناهمسانی واریانس میان جملات اخلاص

دارد که قبل از تخمین مدل رفع گردیده است. هم‌چنین نتایج استخراج شده از آزمون خودهمبستگی وجود هرگونه خودهمبستگی میان مقاطع را رد می‌کند.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های رانت نفت

نام آزمون	آماره	احتمال
F لیمر	۱۲۶/۴۰	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۶۱/۳۹	۰/۰۰۰۰
Wald-test	۶۲۵۱/۲۰	۰/۰۰۰۰
Pesarans-test	۰/۱۵۵-	۰/۸۷۷۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج تخمین بیانگر آن است که رانت نفتی دارای اثر منفی اما ناچیزی در سطح معناداری ۹۵ درصد بر روی استقلال بانک مرکزی است. به عبارت دیگر با یک درصد افزایش در رانت شاهد کاهش ۰/۰۰۴۴ درصد در استقلال بانک مرکزی می‌باشیم. چرا که در پی افزایش درآمدهای نفتی قدرت مالی دولت نیز افزایش می‌یابد. به موجب این امر دولت خود را بی‌نیاز از سایر نهادها به ویژه بانک مرکزی احساس می‌کند و با اعمال نفوذ بر تصمیمات بانک مرکزی استقلال آن را زیر سؤال برده و به صورت معکوس تحت الشعاع قرار خواهد داد. هم‌چنین فساد نیز دارای تأثیر منفی و معناداری روی استقلال بانک مرکزی است. با افزایش فساد کاهش ۰/۰۰۸ درصدی در استقلال بانک مرکزی هستیم. این امر حاکی از آن است که با افزایش فساد شاهد اعمال قدرت نهادهای ذینفع در روند درآمد و هزینه دولت می‌باشیم. به موجب آن دولت با افزایش کسری بودجه مواجه می‌شود و این امر دارای تأثیر معکوس بر استقلال بانک مرکزی می‌باشد و این نهادها با اعمال نفوذ خود مانع از سیاست‌گذاری صحیح و مستقل توسط بانک مرکزی می‌گردند و استقلال بانک مرکزی را تضعیف می‌کنند.

علاوه بر این موارد شاهد رابطه معکوس و معنادار ۰/۰۰۲۰ نقدینگی بر استقلال بانک مرکزی و رابطه معکوس و معنادار ۰/۰۰۳۴ میان افزایش هزینه‌های دولت و افزایش استقلال بانک مرکزی می‌باشیم. افزایش نقدینگی سبب افزایش پایه پولی و فشار بر بانک مرکزی در کنترل تورم خواهد شد که این امر

استقلال بانک مرکزی را با مخاطره مواجه می‌کند. هم‌چنین افزایش هزینه‌های دولت سبب می‌گردد تا دولت برای تأمین این هزینه‌ها به بانک مرکزی رجوع کرده و درصدد تأمین مخارج خود برآید.

هرگونه افزایشی در شفافیت سبب بهبود ۰/۰۰۱۲ درصدی در وضعیت استقلال بانک مرکزی می‌شود و رابطه مستقیم و معناداری میان این دو متغیر وجود دارد. در پی افزایش شفافیت با افزایش آگاهی مردم و بهبود کیفیت دموکراسی مواجه می‌شویم. این امر مسئولین پولی و مالی کشور را وادار می‌کند تا در قبال عملکرد خود پاسخگو باشند و در پی آن شاهد اثرات مثبت بر استقلال بانک مرکزی باشیم. در ادامه شاهد تأثیر منفی و ناچیز تولید ناخالص سرانه (۰/۰۰۰۰۰۲۹۵) بر استقلال بانک مرکزی می‌باشیم که در سطح ۹۵ درصد نیز معنادار است. با توجه به اینکه در کشورهای نفتی این درآمدهای نفت است که بخش اعظم تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و بخش کمی از تولید ناخالص داخلی به صادرات غیرنفتی اختصاص دارد شاهد تأثیر منفی تولید ناخالص داخلی بر استقلال بانک مرکزی می‌باشیم.

جدول ۳. نتایج تخمین رانت نفت

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Oil	-۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۰
corruption	-۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰
Development	-۱/۵۸e-۰۶	۰/۰۰۰
Liquidity	-۰/۰۰۲۰	۰/۰۰۰
Expenditure	-۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۰
Transparency	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۰
Cons	۰/۸۶۴۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در کنار رانت نفت به بررسی تأثیر رانت سایر منابع بر استقلال بانک مرکزی نیز پرداخته شده است. نتایج برگرفته از جدول ۵ و جدول ۷ گویای آن است که رانت گاز و رانت جنگل‌ها دارای تأثیر معناداری بر استقلال بانک مرکزی نمی‌باشد. به عبارتی به علت اینکه منبع عمده درآمد در این کشورها درآمد نفت است، این دولت‌ها اغلب با اتکا به این منبع، اقتصاد را به گردش درآورده‌اند و سایر منابع دارای تأثیر چندانی بر تصمیم‌گیری و عملکرد دولت‌ها نمی‌باشد.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های رانت گاز

نام آزمون	آماره	احتمال
F لیمر	۱۴۶/۶۹	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۵۳/۴۷	۰/۰۰۰۰
Wald-test	۹۰۷۳/۰۷	۰/۰۰۰۰
Pesarans-test	-۰/۳۶۱	۰/۷۱۶۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. نتایج تخمین رانت گاز

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Gas	-۰/۰۰۶۲	۰/۰۹۴
corruption	۰/۰۰۰۱	۰/۶۲۵
Development	-۳/۴۱e-۰۰۶	۰/۰۰۰
Liquidity	-۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۰
Expenditure	-۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۰
Transparency	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۰
Cons	-۰/۸۱۰۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۶. نتایج آزمون‌های رانت جنگل

نام آزمون	آماره	احتمال
F لیمر	۱۴۹/۳۶	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۵۵/۶۳	۰/۰۰۰۰
Wald-test	۱۰۷۳۷/۹۸	۰/۰۰۰۰
Pesarans-test	-۰/۰۸۱	۰/۹۳۵۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۷. نتایج تخمین رانت جنگل

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Forest	-۰/۰۰۳۹	۰/۵۴۰
corruption	۰/۰۰۰۲	۰/۳۹۳
Development	-۴/۰۷e-۰۶	۰/۰۰۰
Liquidity	-۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۰
Expenditure	-۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۰
Transparency	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۰
Cons	۰/۷۹۷۱	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اما همان‌گونه در جدول (۹) نیز قابل مشاهده است رانت کل دارای اثر منفی اما ناچیزی در سطح معناداری ۹۵ درصد بر روی استقلال بانک مرکزی است. به عبارت دیگر با یک درصد افزایش در رانت کل شاهد کاهش ۰/۰۰۴۱ درصد در استقلال بانک مرکزی می‌باشیم. از آنجا که بخش اعظم رانت کل در این کشورها را رانت نفت دربر می‌گیرد تأثیر رانت کل منابع بر استقلال بانک مرکزی مشابه تأثیر رانت نفت بوده که این نتیجه تأثیر رانت نفت بر عملکرد بانک مرکزی و حتی عملکرد کل اقتصاد را بیش از پیش مورد تأیید قرار می‌دهد. لازم به ذکر است تأثیر هر چهار متغیر کنترلی لحاظ شده در تحقیق بر استقلال بانک مرکزی در تمامی تخمین‌ها از لحاظ معناداری و نحوه اثر گذاری مشابه است.

جدول ۸. نتایج آزمون‌های رانت کل

نام آزمون	آماره	احتمال
F لیمر	۱۲۳/۸۹	۰/۰۰۰۰
هاسمن	۵۷/۳۹	۰/۰۰۰۰
Wald-test	۵۲۹۵/۳۰	۰/۰۰۰۰

۰/۸۵۸۶	--/۱۷۸	Pesarsans-test
--------	--------	----------------

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۹. نتایج تخمین رانت کل

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Total rent	--/۰۰۴۱	۰/۰۰۰
corruption	--/۰۰۱۴	۰/۰۰۰
Development	-۱/۲۶e-۰۶	۰/۰۰۰
Liquidity	--/۰۰۱۸	۰/۰۰۰
Expenditure	--/۰۰۳۸	۰/۰۰۰
Transparency	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰
Cons	۰/۸۹۱۲	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج به دست آمده از تحقیق حاکی از اثر منفی رانت نفت بر استقلال بانک مرکزی است. این نتیجه با بیان رابطه معکوس رانت نفت بر استقلال بانک مرکزی نشان دهنده آن است که ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد سبب تضعیف استقلال بانک مرکزی شده است. دسترسی دولت به یک منبع درآمدی آسان سبب بی توجهی به تصمیمات سایر نهادهای از جمله بانک مرکزی شده و استقلال بانک مرکزی را زیر سؤال می‌برد. در همین راستا دولت دلیلی بر تمکین از سیاست‌های پولی بانک مرکزی نداشته و غالباً در جهت دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت خود عمل می‌نماید. ورود رانت نفت به اقتصاد سبب افزایش و گسترش فساد شده است. گسترش فساد دارای تأثیر منفی بر عملکرد مستقل این بانک است. چرا که گسترش فساد اعمال نفوذ مراجع ذینفع را افزایش داده و استقلال بانک مرکزی را به مخاطره می‌افکند. لازم به ذکر است در این پژوهش علاوه بر رانت نفت تأثیر رانت گاز و رانت جنگل‌ها بر استقلال بانک مرکزی نیز مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن نشان‌دهنده تأثیر معنادار این نوع از رانت بر استقلال بانک مرکزی نمی‌باشد. چراکه بخش عظیم رانت کشورهای مورد مطالعه را رانت نفت تشکیل داده و اغلب سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر پایه رانت نفت شکل گرفته

است. از آنجا که بخش عمده رانت کل نیز در کشورهای منتخب به رانت نفت اختصاص دارد، شاهد تأثیر منفی و معنادار رانت کل بر استقلال بانک مرکزی می‌باشیم. این نتیجه نیز مهر تأییدی است بر تأثیری که رانت نفت بر تصمیمات بانک مرکزی به ویژه استقلال بانک مرکزی بر جای می‌گذارد. علاوه بر این موارد شاهد رابطه معکوس و معنادار نقدینگی، هزینه‌های دولت و تولید ناخالص داخلی بر استقلال بانک مرکزی بودیم. اما افزایش شفافیت با اثرگذاری مثبت بر استقلال بانک مرکزی سبب بهبود استقلال بانک مرکزی می‌شود.

مسئله تحقیق حاضر از تأثیر منفی رانت نفتی و فساد بر استقلال بانک مرکزی در کشورهای نفتی حکایت دارد. نتایج به دست آمده نیز تأثیر منفی رانت نفت و فساد بر استقلال بانک مرکزی در کشورهای مذکور را مورد تأیید قرار می‌دهد، لذا به منظور رفع این مسئله و در راستای بهبود بخشیدن به استقلال بانک مرکزی و افزایش قدرت این نهاد در اتخاذ سیاست‌های پولی پیشنهاد می‌گردد از ورود بی برنامه درآمدهای نفتی به اقتصاد و نیز افزایش نقدینگی و مخارج بی رویه دولت جلوگیری گردد. علاوه بر آن با کاهش فساد می‌توان از اعمال قدرت مراجع ذینفع بر بانک مرکزی و در نتیجه کاهش استقلال آن جلوگیری نمود. از آنجا که اصلی‌ترین راه ورود درآمد نفت به اقتصاد بودجه دولت می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد با اصلاح روند بودجه‌ریزی نظم بیشتری به سیاست‌های مالی بخشید و اختیارات بانک مرکزی را در زمینه اتخاذ سیاست‌های پولی افزایش داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ادیب پور، مهدی و آزاده محمدی ویایی (۱۳۹۵)، "اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد"، فصل‌نامه سیاست‌های راهبردی کلان، شماره ۱۴، صص ۱۶۸-۱۵۳.
- بوستانی، رضا و شیرین صلوی تبار (۱۳۹۶)، "بررسی استقلال بانک مرکزی ایران از بعد مالی"، فصلنامه روند، شماره ۷۸، صص ۷۵-۱۰۸.

درخشان درآبی، کاوه و یوسف محنت فر (۱۳۹۴)، "مطالعه نظری و تجربی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب"، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء، شماره ۱۰، صص ۴۳-۷۰.

رحیمیان، نورگس (۱۳۹۳)، "بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن". *مجله اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۱۶-۱۰۳.

شقایق شهری، وحید؛ حسین صادقی و عباس عساری (۱۳۸۸)، "اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی"، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، شماره ۴، صص ۱۷۴-۱۳۹.

طیب نیا، علی؛ زمان‌زاده، حمید و مهدیه شادرخ (۱۳۹۳)، "نقش نهادها در بروز مصیبت یا موهبت منابع نفتی، یک الگوی رانت جویی با رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا"، *فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی*، شماره ۲۱، صص ۴۷۵-۴۴۳.

عسگری، بهنام (۱۳۸۹)، "تأثیر استقلال بانک مرکزی بر نظام مدیریت نقدینگی در کشورهای صادرکننده نفت"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی*، دانشگاه اصفهان. فرجی دیزجی، سجاد؛ ناصری، علیرضا و حمیدرضا پورسلیمی (۱۳۹۶)، "رانت منابع طبیعی، فساد و حکمرانی خوب (شواهدی از کشورهای دارنده منابع طبیعی)"، *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، شماره ۵۵، صص ۱۳۲-۱۰۷.

لطفی، زهرا (۱۳۹۸). "اثر درآمدهای نفتی و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی: شواهدی از کشورهای صادرکننده نفت"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد انرژی*، دانشگاه تربیت مدرس.

محمدی، تیمور و میترا قنبری (۱۳۹۵)، "سیکل‌های سیاسی و پولی و رابطه آن با استقلال بانک مرکزی"، *فصلنامه پژوهش‌های پولی بانکی*، شماره ۳۰، صص ۵۶۷-۵۴۵.

Agoba, A., Abor J., Osei K. and J. Sa-Aadu (۲۰۱۷). "Central Bank Independence and Inflation in Africa: The Role of Financial Systems and Institutional Quality", *Central Bank Review*, ۱۷(۴), pp. ۱۳۱-۱۴۶.

Alsina A. and L.H. Summer (۱۹۹۳). "Cenrrll Bnnk's Indppndnee and Macroeconomic Performance: Some Comparative Evidence". *Journal of Money, Credit and Banking*, ۲۵(۲), pp. ۱۵۱-۱۶۲.

- Anand R., Prasad E.S. and B. Zhang** (۲۰۱۵). "What Measure of Inflation should a Developing Country Central Bank Target?", *Journal of Monetary Economics*, No. ۷۴, pp. ۱۰۲-۱۱۶.
- Arezki R. and M. Bruckner** (۲۰۱۱). Oil Rents, Corruption and State Stability: Evidence from Panel data Regressions. *European Economic Review*, ۵۵(۷), pp. ۹۵۵-۹۶۳.
- Baltagi B.H.** (۲۰۱۵) *Panel Data Econometrics: Critical Concepts in Economics, four volumes*, Routledge, Taylor & Francis Group, New York, NY.
- Bodea C. and R. Hicks** (۲۰۱۵). "Price Stability and Central Bank Independence : Discipline, Credibility and Democratic Institutions". *International Organization*, ۶۶(۱), pp. ۳۵-۶۱.
- Brevini G., Cavicchioli M. and B. Pistoresi** (۲۰۱۷). "Central Bank Independence, Financial Instability and Politics: new Evidence for OECD and NON OECD countries". *International Journal of Economics and Finance*, ۹(۷), pp. ۱۷۹-۱۸۸.
- Caselli F. and A. Tesei** (۲۰۱۶) "Resource Windfalls, Political Regimes and Political Stability.. *The Review of Economics and Statistics*. ۹۸(۳), pp. ۵۷۳-۵۹۰.
- Cukierman A., Webb S. and B. Neyapti** (۱۹۹۲). "Measuring the Independence of Central Banks and its Effects on Policy Outcomes". *The World Bank Economic Review*, ۶(۳), pp. ۳۵۳-۳۹۸.
- Cukierman A.** (۲۰۰۸). "Central Bank Independence and Monetary Policymaking Institutions - Past, present and future". *European Journal of Political Economy*, ۲۴(۴), pp. ۷۲۲-۷۳۶.
- D'Amato M., Pistoresi B. and F. Salsano** (۲۰۰۹). "On the Determinants of Central Bank Independence in Open Economies". *International Journal of Finance & Economics*, ۱۴(۲), pp. ۱۰۷-۱۱۹.
- de Garcia F.P. and J. Cunado** (۲۰۰۵). "Oil Prices, Economic Activity and Inflation: Evidence for some Asian Countries", *Journal of The Quarterly Review of Economics and Finance*, No. ۴۵, pp. ۶۵-۸۳.
- Dizaji S.F.** (۲۰۱۱), "Analysis of Domestic Price and Inflation Determinants in Iran (as a Developing Oil-export based Economy)", *International institute of Social Studies of Erasmus University Rotterdam*, working paper, No. ۵۳۰.

Dizaji S.F. (۲۰۱۹) "The Potential Impact of Oil Sanctions on Military Spending and Democracy in the Middle East", *International institute of Social Studies of Erasmus University Rotterdam*, working paper, No. ۶۴۴.

Dizaji S.F. (۲۰۱۴). "The Effects of Oil Shocks on Government Expenditures and Government Revenues Nexus (with an application to Iran's sanctions)". *Economic Modeling*, ۴۰ (C), pp. ۲۹۹-۳۱۳.

Garriga A. (۲۰۱۶). "Central Bank Independence in the World: A New Dataset". *International Interactions*, ۴۲(۵), pp. ۸۴۹-۸۶۸.

Grilli V., Masciandaro D. and G. Tabellini (۱۹۹۱). "Political and Monetary Institutions and Public Financial Policies in the Industrial Countries". *Economic Policy*, ۶(۱۳), pp. ۳۴۱-۳۹۲.

Gujarati D. (۱۹۹۵). *Basic Econometrics*. New York: Mc Graw-Hill, Inc.

Hielscher K. and G. Markwardt (۲۰۱۲). "The Role of Political Institutions for the Effectiveness of Central Bank Independence", *European journal of political Economy*, ۲۸(۳), pp. ۲۸۶-۳۰۱.

Harold J. Brumm (۲۰۱۱). "Inflation and Central Bank Independence: Two-way Causality?", *Economics Letters*, ۱۱۱(۳), pp. ۲۲۰-۲۲۲.

Jacome L. (۲۰۰۱). "Legal Central Bank Independence and Inflation in Latin America During the ۱۹۹۰s". *International Monetary Fund*, ۵(۱), pp. ۱۵۷-۱۹۴.

Murphy K., Shleifer A. and R. Vishny (۱۹۹۱). "The Allocation of Talent: Implications for Growth". *Quarterly Journal of Economics*, ۱۰۶(۲), pp. ۵۰۳-۵۳۰.

Nobuo A. Yusaku H. and Masayo Sakata (۲۰۰۵). "Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States.. *International and Development Economics Working Papers*, idec۰۵-۵, International and Development Economics.

Rogoff K. (۱۹۸۵). "The Optimal Degree of Commitment to an Intermediate Monetary Target". *Quarterly Journal of Economics*, ۱۰۰(۴), pp. ۱۱۶۹-۱۱۸۹.

Sikken B.J. and J. de Haan (۱۹۹۸), Budget Deficits, Monetization and Centralbank Independence in Developing Countries, ۵۰(۳), pp. ۴۹۳-۵۱۱.

Yahyazadehfar M., Mostakhdemin Hosseini H., Shababi H. and A.A. Mehrabi Alamdari (۲۰۱۲). *On the Relationship between Central Bank's Independence and Inflation Rate in Iran* . Int. J. Manag. Bus. Res, ۲(۳), pp. ۲۱۹-۲۳۲.



جداول پیوست

جدول پیوست ۱. آزمون همبستگی رانت نفت

Correlation	Cbi	Oil	corruption	Development	Liquidity	Expenditure	Transparency
Cbi	۱						
Oil	-۰/۲۷	۱					
corruption	-۰/۴۵	-۰/۱۵	۱				
Development	-۰/۴۶	۰/۰۸	۰/۸۱	۱			
Liquidity	-۰/۴۰	-۰/۱۰	۰/۵۴	۰/۵۱	۱		
Expenditure	-۰/۴۲	-۰/۱۷	۰/۴۹	۰/۲۵	۰/۳۶	۱	
Transparency	-۰/۳۰	-۰/۱۹	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۶۰	۰/۴۵	۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول پیوست ۲. آزمون همبستگی رانت گاز

Correlation	Cbi	Gas	corruption	Development	Liquidity	Expenditure	Transparency
Cbi	۱						
Gas	-۰/۱۴	۱					
corruption	-۰/۴۵	-۰/۱۶	۱				
Development	-۰/۴۶	۰/۰۹	۰/۸۱	۱			
Liquidity	-۰/۴۰	-۰/۰۴	۰/۵۴	۰/۵۱	۱		
Expenditure	-۰/۴۲	-۰/۰۰۵	۰/۴۹	۰/۲۵	۰/۳۶	۱	
Transparency	-۰/۳۰	-۰/۰۴	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۶۰	۰/۴۵	۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول پیوست ۳. آزمون همبستگی رانت جنگل

Correlation	Cbi	Forest	corruption	Development	Liquidity	Expenditure	Transparency
Cbi	۱						
Forest	-۰/۰۳	۱					
corruption	-۰/۴۵	-۰/۰۹	۱				
Development	-۰/۴۶	-۰/۲۶	۰/۸۱	۱			
Liquidity	-۰/۴۰	-۰/۱۹	۰/۵۴	۰/۵۱	۱		
Expenditure	-۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۴۹	۰/۲۵	۰/۳۶	۱	
Transparency	-۰/۳۰	-۰/۰۴	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۶۰	۰/۴۵	۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول پیوست ۴. آزمون همبستگی رانت کل

Correlation	Cbi	Total rent	corruption	Development	Liquidity	Expenditure	Transparency
Cbi	۱						
Total rent	-۰/۲۷	۱					
corruption	-۰/۴۵	-۰/۱۷	۱				
Development	-۰/۴۶	۰/۰۶	۰/۸۱	۱			
Liquidity	-۰/۴۰	-۰/۱۴	۰/۵۴	۰/۵۱	۱		
Expenditure	-۰/۴۲	-۰/۱۶	۰/۴۹	۰/۲۵	۰/۳۶	۱	
Transparency	-۰/۳۰	-۰/۲۰	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۶۰	۰/۴۵	۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی